



Introduction and Evaluation of manuscript “History of Punjab”

*Nighat Parveen

Abstract:

The Punjab has been deeply connected to the history of the Sub-continent. The people of Punjab belong to different religions i.e Islam, Hinduism and Sikhism, and possess various beliefs; thus have been playing a significant role in the continuity of its social and cultural development. The history of Sikhism originates from their spiritual leader “*Bābā Gurū Nānak*”. Their famous holy books ‘*Gurū Granth*’ has been written in Punjabi language. During the Sikh rule, the Punjab consisted of twelve (12) Misals in other words, twelve people ruled there. The reign of *Maha Raja Ranjīt Singh* witnessed an organized rule; thus it is called the golden period of the Punjab history.

This manuscript ‘*Tārīkh-e-Punjab*’, is a unique and unmatched manuscript in Persian language, about the history of the Punjab during the reign of Maha Raja Ranjīt Singh. This manuscript reflects the political, geographical, military, economical, religious and social aspects of the Punjab in the 19th century. The images of various customs, dresses and ornaments have also been provided.

Although, it was written in Persian language, in 19th century; yet it is a bit different from the modern Persian language of Iran. Since, it includes the words from other languages of the Punjab, including Sanskrit, Punjabi, Hindi and Urdu; its text is difficult and complicated. In spite of the use of a number of allegories and idioms, there are many textual mistakes. These have been corrected and editing. Its detail comes in the Preface.

Keywords: Punjab, *Sikh*, *Ranjīt Singh*, Persian language, Sub Continent, History

معرفی و نقد و بررسی نسخه خطی "تاریخ پنجاب"

*نگهت پروین

چکیده

سرزمین پنجاب از آغاز با تاریخ شبه قاره ارتباط تنگاتنگ داشته است و مردم منطقه "پنجاب" (پاکستان کنونی) به خاطر برخورداری از ادیان و عقاید متفاوت نقش خاصی در تداوم مناسبات اجتماعی و فرهنگی ایفا کرده اند؛ سیک ها، هندو ها و مسلمانان از جمله باشندگان این خطه می باشند. تاریخ مذهب سیک از پیشوای روحانی سیک به نام "بابا گورو نانک" شروع می شود. متن مقدس گرنته "گورو صاحب" نام دارد و به زبان پنجابی نوشته شده است و سیک ها نسخه خطی مقدس خودشان نیز همچو پیشوای روحانی خودشان می دانند و به این نسخه خطی احترام ویژه ای قائل هستند.

در دوران سیکها ابالنها به نام "مئل" معروف بودند و قلمروی آن ها از دوازده مثل تشکیل شده بود و رنجیت سنگه در عهد خود همه مثل ها را زیر نظارت خود آورده بود.

نسخه خطی "تاریخ پنجاب" که منحصر به فرد است در نسخه خطی خانه دانشگاه پنجاب نگهداری می شود. این نسخه به جهت تاریخ سیک ها بالخصوص دور مهاراجه رنجیت سنگه و پنجاب اهمیت زیادی دارد، چرا که درباره تاریخ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی منطقه پنجاب مرجع و ماخذ نخستین به شمار می رود و نشان گر فتوحات قلعه ها، شهرها مختلف می باشد. مطالعه تاریخ پنجاب اطلاعات مفیدی درباره نخبگان سیاسی و مذهبی و ارتشی و راجگان، شرایط فرهنگی و اجتماعی پنجاب در قرن ۱۹ فراهم می کند و از انواع آداب و رسوم، البسه، زیورات، آلات و ابزارها و اقسام پارچه تصویر و تصور ارزشمندی ارائه کرده است.

اگر چه این نسخه خطی زبان پارسی مربوط به قرن نوزدهم میلادی است و در قیاس با زبان پارسی ایران اندکی تفاوت است زیرا که در قرن نوزدهم زبان پارسی در شبه قاره آمیخته به زبان های سنسکرت، پنجابی و زبان های محلی و انگلیسی می باشد و کلمات زبانهای بو می فراوان بکار رفته است بطوری که متن را کمی دشوار و پیچیده می سازد. با وجود تشبیهات و ضرب المثلهای فراوان، اشتباهات املائی زیادی نیز در نسخه دیده می شود که تصحیح و بازنویسی شده است که در مورد آن موضوعات در مقدمه مفصل بیان خواهیم کرد.

کلمات کلیدی : پنجاب، سیک ها، رنجیت سنگه، زبان پارسی، شبه قاره، تاریخ

آغاز و گسترش زبان و ادب پارسی در ایران:

پارسی یکی از زبانهای هند و اروپایی در شاخه های زبان های ایرانی است زبان پارسی امروزه از زبان قدیمی پارسی میانه یا پهلوی و نیز از پارسی باستان گرفته شده است. پارسی باستان در زمان هخامنشی ها زبان اداری این منطقه، فلات ایران و پیرامون آن شد. در اواخر دوران هخامنشیان پارسی باستان با تحولاتی رو به روشد، و با روی کار آمدن ساسانیان زبان رسمی و اداری ایران شد و در مناطق وسیعی گسترش یافت. پس از ورود دین مبین اسلام در ایران، پارسی به سوی مشرق زمین پیشگامی کرد و به وسیله سپاهیان لشکر اسلام و بازرگانان به ماوراءالنهر و افغانستان رسید و جالب است که پارسی حتی بیشتر از عربی، زبان تبلیغ و نشر اسلام در میان مردم این نواحی بود. بنابراین پارسی جانشین زبانهای محلی شد. در دوره سامانی شعر و نثر پارسی به اوج کمال رسید "در شعر شهید بلخی، رودکی سمرقندی، ابوشکور بلخی، ابوموید بلخی، منجیک ترمذی، دقیقی طوسی، کسایی مروزی، عماره مروزی. در نثر رساله در احکام فقه حنفی تصنیف ابوالقاسم بن محمد سمرقندی، شاهنامه ابومنصوری، نسخه خطی گرشاسپ و عجائب البلدان هر دو نوشته ابوموید بلخی، ترجمه تاریخ طبری توسط ابو علی بلعمی، ترجمه تفسیر طبری توسط گروهی از دانشمندان، حدود العالم (در جغرافیا)، رساله استخراج نوشته محمد بن ایوب حاسب طبری پرداخته شد" (نوی، 1364: 11)

بعد از سامانیان غزنویان زمام دولت ایران را بدست آوردند و در ایران دولت غزنویان از ۳۵۱ هـ/ق تا ۶۲۲ م تا ۳۲۹ هـ/ق ۱۰۳۴ م ادامه داشت و بعد از این دولت غزنویان به لاهور منتقل شد. دوره محمود غزنوی عهد معروف غزنویان محسوب می شود چون وی نه تنها در ایران بلکه در هند (شبه قاره) نیز دولت غزنویان را تشکیل داد. "او اولین پادشاه مسلمان بود که برای خود لقب "سلطان" برگزید. وی سلطان مقتدر و پیروز غزنویان بود که روز پنجشنبه بیست و سوم ربیع الاول در سال (۳۲۱ هـ/ ۱۰۳۰ م) در غزنه در گذشته است". (نقیسی، 1363، ج: 1، 18)

ورود و گسترش زبان و ادب پارسی در شبه قاره:

در اوایل قرن چهارم در بلوچستان، ایالت کنونی پاکستان رابعه بنت کعب خضداری اشعار فصیح و شیرین به پارسی می سرود و سلطان محمود غزنوی (۳۸۴-۳۲۱ هـ) در اوایل قرن پنجم زبان پارسی را

گسترش داد. وقتی که لاهور مرکز حکومت غزنویان قرار گرفت بسیاری از خانواده های پارسی زبان ایران در لاهور مدارس و مکتب خانه تاسیس کردند و به ترویج فرهنگ اسلامی و تدریس زبان پارسی کوشیدند مردم محلی این منطقه نیز باکمال اشتیاق از آن مدارس زبان پارسی را یاد گرفتند و به خانواده های ایرانی نزدیک شدند". (اکرام، 1971: 324)

بعد از دوره غزنویان دایره مملکت اسلامی در شبه قاره گسترش بیشتری پیدا کرد. پیروزی های شهاب الدین غوری و در نتیجه تاسیس خاندان مملوک در این سرزمین، ریشه زبان پارسی محکم تر و استوار تر گردید تا این که پارسی در سراسر شبه قاره به عنوان زبان رسمی شناخته شد. قطب الدین ایبک در سال ۶۰۲ هـ/ ۱۲۰۵ م مرکز حکومت را به شهر دهلی منتقل کرد. سپس ناصر الدین قباچه پائتخت را از دهلی به شهر اوچ منتقل کرده و تشکیل حکومت داد. جوامع الحکایات از سدید الدین محمد عوفی اولین تذکره شعرای پارسی بنام "الباب الالباب" و نسخه خطی در دربار ناصر الدین قباچه در اوچ نوشته شد". (اکرام، 1971: 326)

چندین سلسله از سلاطین به سلطنت رسیدند که عبارتند از: سلسله غلامان (۶۰۲-۶۸۹ هـ/ ۱۲۰۵-۱۲۹۰ م) سلسله خلجیان (۶۸۹-۷۴۰ هـ/ ۱۳۱۳-۱۳۲۰ م) سلسله سیدان (۸۱۴-۸۵۵ هـ/ ۱۳۵۱-۱۳۱۳ م) ولودیان (۸۵۵-۹۳۲ هـ/ ۱۵۳۵-۱۳۵۱ م) این سلسله ها شمع فرهنگ و ادبیات پارسی را روشن نگهداشتند. (فلیحه کاظمی، 2008: 7)

در زمان اکبر حکومت بسیار محکم و ثابتی به وجود آمد و فرهنگ ایرانی تأثیر عمیقی در این سرزمین گذاشت که در نتیجه آن یادگرفتن زبان پارسی در سراسر کشور اجباری شد. بنابراین از میان مردم محلی شبه قاره دانشمندی چون ابو الفضل فیضی و ملا عبدالقادر بدایونی ظهور کردند که در تاریخ ادبیات پارسی دارای مقام شامخی می باشند و بدون ذکر آنها تاریخ زبان و ادب پارسی ناقص می ماند. این دوره کمال ترقی و ترویج زبان پارسی محسوب می شود. از ایران نیز شعرای ممتاز و نویسندگان و هنرمندان برجسته به همراه لشکر همایون وارد شبه قاره شدند". (اکرام، 1971: 331)

در دوران سلطنت جهانگیر و شاهجهان، و اورنگ زیب زبان و ادب پارسی و علوم و فنون دیگر پیشرفت شایانی کردند. در روزگار سلطنت تیموریان بزرگ هند یا سلسله بابرین که اغلب خود شاعر و سخن سنج بوده اند،... زبان و ادب پارسی و هند به اوج اعتلای خود رسید و پارسی به عنوان زبان علمی و ادبی مورد توجه اهل فضل و معرفت شد. و نشان شان، اعتبار و معرفت و شرافت کسانی که آن را آموخته اند بود". (رزمجو، 2000: 70)

بعد از اورنگ زیب آثار ضعف تدریجی در سلسله گورکانیان هند آشکار و در این میان باز گشت روز افزون امیران، راجه های محلی بقدرت، حمله نادر شاه افشار بهند، دخالت‌های شرکتهای فرانسوی و هلندی و انگلیسی خاصه دسیسه ها و دست اندازی های شرکت هند شرقی انگلیسی انحطاط دولت گورکانی را تسریع نمود و آن سلسله بسال ۱۲۴۵ هـ هنگام سلطنت بهادر شاه ثانی بدست انگلیسیان بر افتاد. (صفا، 1371، ج: 4: 36) در دوره سقوط امپراطوری تیموریان در شبه قاره حکومت های غیر مسلمان مانند مرهته ها و سیک ها نیز تشکیل گردید. مرکز حکومت مرهته ها شهر پونا و مرکز حکومت سیک ها لاهور بود. جالب این است که زبان رسمی این حکومت های غیر مسلمان نیز پارسی بود. زیرا پارسی مسلماً زبان اصلی فرهنگی شبه قاره شناخته شده بود. تا سال ۱۲۵۱ هجری (۱۸۳۵ میلادی) یعنی زمان ورود انگلیس ها زبان پارسی زبان رسمی کشور بود اما بعد از آن در نتیجه سیاست انگلیسی ها زبان انگلیسی جایگزین زبان پارسی شد. پارسی از هر گونه حمایت دولتی محروم شد باز هم بین مسلمانان محبوبیتی داشت و به عنوان نشانه بارز فرهنگ اسلامی در شبه قاره شناخته می شد، به همین سبب می بینیم که تعداد زیادی از شعرای معروف و برجسته زبان اردو در آن زمان مانند غالب، صهبائی، مؤمن، ذوق، شیفته، شبلی و گرامی همه به پارسی شعر می گفتند و حتی شعر پارسی خود را به شعر اردوی خود ترجیح می دادند.

استقرار حکومت سیک ها و زبان و ادبیات پارسی:

در سال 1707ء وقتی اورنگ زیب عالمگیر از دنیا رفت سبک ها قدرتمند شدند و در زمان بعدی فرمانروائی در مناطق مختلف پنجاب تشکیل دادند. در سال 1700-1799 پانتخت امرتسر را پانتخت فرمانروائی خود قرار دادند. در دوران فرمانروائی سیکها امرتسر از 1707-1799 پایتخت امپراتوری و سپس در سال 1799-1839ء پایتخت به لاهور منتقل گشت.

رنجیت سنگه در سال 1799م لاهور را تحت تصرف خود درآورد و از همان زمان مهاراجه را به لقب "سرکار" مفتخر ساخت. رنجیت سنگه در 27 ژوین 1839م در لاهور چشم فروبست. پس از آن در زمان جانشینان او اتفاق نداشتند و خراب کاری شروع شده بود، در نتیجه انگلیسها در مارس 1849م زمان اقتدار پنجاب را از دست مهاراجه دلپ سنگه فرا گرفتند و پنجاب را نیز تحت تسلط خود گرفتند. برخی از این اطلاعات روی کتیبه ی سنگی در دیوار شیش محل قلعه ی لاهور نیز ثبت است. (چغتای، 1964: 17)

پیش از روی کار آمدن رنجیت سنگھ پنجاب از 92 سال گذشته آرامش نداشت. در واقع سراسر قرن هیجدهم میلادی برای پنجابی ها دوران فتنه و فساد بود. در نتیجه ی حملات نادر شاه افشار، احمد شاه ابدالی، مرهته ها و سیکها زندگی مردم پنجاب به بی امنیتی کشیده شد. کشاورزان و بازرگانان منطقه را ترک نموده در مناطق دیگر کشور مهاجرت کردند.

روابط سیاسی، دینی، مذهبی، زبانی، تمدنی، فرهنگی و ادبی ایران و شبه قاره به فرنها متمادی بر می گردد، بلکه تاریخ نویسان بر این باورند که پیوند سیاسی و فرهنگی این دو منطقه حتی 500 سال پیش از میلاد مسیح وجود داشت. (سید عبدالله، 1947: 1)

بمرتب شدن گرنته زبان مذهبی سیکها پنجابی شد. زبان توده مردم پنجابی بود در دوره سیکها، تالیف و تصنیف در موضوعات ادبی و عرفانی و عمومی در زبان پنجابی به نظر می رسد. برای این که سیکها بی سواد بودند و برای نظم و نسق سلطنت احتیاج به زبانی بود که زبان اداری و دولتی باشد، لذا باوجود دشمنی مسلمانان ناچار زبان مسلمان یعنی پارسی را اختیار کردند مسلمانان که در عربی و فارسی مهارت داشتند ولی هند و ها و سیکها ها هیچ نویسنده سیکه به نظر نمی رسد، البته نویسندگان و شاعران و مورخ های هندو هم بودند. (ظهور الدین، 1385: 10)

بنا بر این زبان رسمی دولت رنجیت سنگھ پارسی بود، و همه نامه نگاری و فرامین به زبان پارسی اجرا می شد. از این نظر مسلمانان ارزش خاصی داشتند علمای مسلمان بخصوص از خانواده های چشتی و فقیر در بیشتر خانواده های شاهی و دولتی منصب استاد و اتالیق داشتند. ابراهیم علی چشتی، از خانواده ی چشتیه قبل از تاسیس دولت سیکها بیرون از دروازه ی لوهاری مدرسه ای تاسیس کرده بود، و گوجر سنگ بهنگی، یکی از سه حاکم لاهور، برای آن مدرسه مبلغ مناسبی مهیا کرد. (ملک، 1901: 149)

"در دوران رنجیت سنگھ، مسلمانان مرتبه بالایی داشتند، فرزندان، غلام محی الدین فقیر عزیز الدین بخارائی لاهوری متخلص آزاد و رضا (1191-1262ق/ 1777-1846م) فقیر نور الدین محمد بخارائی لاهوری متخلص منور 1205-1268ه/ 1791-1853م) فقیر امام الدین متخلص اظهر هر سه عالم طبیب از شعرای مهم زبان پارسی در این دوره بودند. (عبدالرشید، 1987: 18)

احوال مهاراجه رنجیت سنگه:

مهاراجه رنجیت سنگه پسر مهان سنگه بن چرت سنگه بن نوده سنگه بن بده سنگه، به اولین فرد از این خانواده که به این مذهب سیک را اختیار کرده "بده سنگه" بود که قبلاً اسمش بدهو مل بود وقتی "بده سنگه" به سن بلوغ رسید، مرد خوبرو و جوان، قدرت مند و شجاع بوده سنگه برای یورش مردم شجاع را پیش خود آورده و یک لشکر برای این یورش آماده کرده بود و به زودی به سبب شجاعت خود در تمام مناطق اطراف شهرت یافت. او زودی خانه ای مثل یک قلعه برای سکونت خودش در ده به نام "سکر چک" ساخته بود." (کوهلی، 2001: 41)

مهاراجه رنجیت سنگه پسر نامور مهان سنگه در سال 1837 بکر می/ 1780ء متولد شد. "در بچگی به عارضه جدری مبتلا گردید... و ثوران عارضه چیچک بجدی شد که اقامت یک لحظه نمایان شد تا آنکه چشم راست از غلبه فرو نشست" (نسخه خطی تاریخ پنجاب، س ن: 5) "گویند که مهاراجه در طفلی دلاور بود. چنانچه در شش سال به اطفال در دریای راوی شناوری می کرد و بعضی اوقات رمه گوسفند را مجازی توپ ها ایستاده کنانید حکم به سر کردن میداند. تا وجود او نشان از صدمات شره ها نابود و مطمئن می شد. اکثر اوقات پردوش دولا سنگه ملوی و غیره سوار شدند و هر چه از نقد و جنس از خانه یافتند به طفلان تقسیم می کردند هر چند والا به امتناع پیش آمده هیچ اثری نشد. پس از آن مهاراجه صاحب را برای آموختن گورمکھی پیش بهاگو سنگه دهرم شاله در گوجرانواله نشانیدند، اما هیچ نیاموخت. بعد از آن امیر سنگه نامی برهن که در تفنگ زنی یکتا آن وقت بود مقرر ساختند و مهاراجه بهادر تعلیم تفنگ رانی از و گرفتند." (نسخه خطی تاریخ پنجاب، بی تا: 4)

معرفی نسخه خطی تاریخ پنجاب:

منطقه "پنجاب" یعنی سرزمین پنج دریا از آغاز تا هنوز اهمیت بسیار دارد. زمین پنجاب بسیار زرخیز و ساکنان این سرزمین بهادر و غیوراند و سرزمین شان را بسیار دوست می دارند. بسیاری از شاعران و نویسندگان و مؤرخین از دوره آغاز تاریخ این سرزمین مهم در زبان های مختلف رقم کرده اند.

- 1- در زبان پارسی "تاریخ پنجاب" غلام محی الدین ملقب بہ بوٹہ شاہ رقم کردہ اند کہ مشتمل بر پنج دفتر است (از دورہ آل ماد تا دورہ دلیپ سنگھ)
 - 2- "تاریخ پنجاب" از نقی پیشاوری دربارہ دورہ دلیپ سنگھ
 - 3- "عمدۃ التواریخ" از سون لعل سوری روزنامچہ دورہ رنجیت سنگھ است.
 - 4- "عبرت نامہ" از مفتی خیر الدین مشتمل بر ذکر دریا ہا، نہر ہا، موسم ہا، جاہای مهم و دورہ رنجیت سنگھ نوشتہ شدہ است.
 - 5- "تاریخ پنجاب" از نویسندہ نا معلوم مشتمل بر احوال مختصر ابا و اجداد رنجیت سنگھ و دورہ رنجیت تا قبل از دورہ دلیپ سنگھ نوشتہ شدہ است.
- نسخہ خطی "تاریخ پنجاب" از نویسندہ نا معلوم، نسخہ بسیار ارزشمند در بارہ دور رنجیت سنگھ کہ دورہ زرین عہد سکھان می گویند، نوشتہ شدہ است.
- ذکر این نسخہ خطی در فہرست نسخہ های خطی سید عبداللہ در صفحہ 112، شمارہ 165 آمدہ است و بہ شمارہ PE III 27 /653 در نسخہ خطی خانہ مرکزی دانشگاه پنجاب لاہور نگہداری می شود و فہرست مشترک نسخہ های خطی پارسی پاکستان از احمد منزوی در جلد دہم بر برگ 557 یافتہ می شود.
- نسخہ خطی "تاریخ پنجاب" بر دو ابواب مشتمل است و دارای 359 برگ ہا است و تعداد سطرہا در ہر صفحہ یکسان نیست. ہر صفحہ مشتمل بر (10... 25) سطرہا است. نسخہ مذکور در خط نستعلیق و نستعلیق شکستہ نوشتہ شدہ است و از دست کاتب های مختلف بہ تحریر آوردہ شدہ است. کاغذ قدیمی است و نسخہ کرم خوردہ است، ترقیمہ و رکابہ ہم دارد.
- پیمائش نسخہ 10-5x5.5 است. فقط یک نسخہ است. نسخہ دیگری ہیچ جای پیدا نمی شود. منحصر بہ فرد است. سال تاریخ نوشتن نسخہ ذکر نشدہ است. آغاز و اختتام کامل است.

نگاہی اجمالی بہ استان پنجاب در نسخہ مذکور:

موضوع نسخہ خطی طوری کہ عنوانش معلوم می شود. تاریخ پنجاب است تاریخ پنجاب کہ بسیار طولانی است و قبل از اسلام با آمدن اسکندر مقدونی شروع می شود ولی درین نسخہ خطی "تاریخ پنجاب" در دورہ حکمران سکھان و مخصوصاً دربارہ دورہ حکمرانی رنجیت سنگھ در پنجاب است. این نسخہ خطی از

احوال مختصر ابا و اجداد رنجیت سنگه دوره زوال پذیری مغول و دست برد افغانه شروع می شود و دوره حکمرانی رنجیت سنگه که دوره زرین عهد سکهان گفته می شود را تفصیلاً ذکر نموده، با دوره زوال پذیری دوره سنکهان اختتام می شود.

فتوحات مهم رنجیت سنگه:

ضعف تیموریان متاخر، حملات شاه زمان و شکایت عمومی از ظلم و غارت توسط حاکمان سپیک در لاهور، باعث شد که رنجیت سنگه در سال 1856 بکر می مطابق 1799ء به تصرف آورد و برای خود لقب "مهاراجه" انتخاب کرد.

در "نسخه خطی تاریخ پنجاب" این طور نوشته است که

"به تاریخ بیست و هفتم ماه اسو 1856 مطابق ماه صفر 1414 هجری روز یکشنبه علی الصباح تا شام او بار مخالفان بود. سوار شده بیرون دروازه لوهاری رسید. چیت سنگه به مجرد استماع این خیر هوش و هواس گم کرده بنا بر خیرداری و حفاظت دروازه مذکور وارد گردید به سیوا سنگه و دیگر حاضران ظاهر ساختند که مهاراجه صاحب با افواج کثیر از راه دهلی دروازه داخل شهر شدند. چیت سنگه تاب مقابله در خود نیافته رو به قلعه آورد و موهر سنگه مخمور نکبت و بی هوشی بود خاک مذلت بر سر ریخت به گوشه ای فرا رفت. مهاراجه صاحب هم عنان فتح و نصرت در مسجد پادشاهی متصل قلعه فرود آمده به مشاهده آن مکان لطیف و شادمان گردید. و از آن جا به مسجد وزیر خان آمد و رانی سدا کور در چپوتره کوتوالی قیام نمود به نظم و نسق مهمات لاهور پرداخت." (نسخه خطی تاریخ پنجاب، بی تا: 9)

بعد از تصرف کردن لاهور مهاراجه رنجیت سنگه بر دیگر شهر های پنجاب تسلط نمودن آغاز کرد دو سال 1803ء کانگره، گورداس پور، جالندهر، در سال 1804ء ساهیوال در سال 1807ء قصور را مفتوح ساخت. در سال 1814ء جهنگ در سال 1818ء ملتان، در سال 1819ء کشمیر، در سال 1821ء دیره غازی خان و دیره اسماعیل خان و در سال 1823ء پشاور را تصرف خود آورد. و این طور مرز های پنجاب وسیع و عریض کرد.

شخصیت های معروف دربار رنجیت سنگھ:

پادشاهی رنجیت سنگھ رسماً "سرکار خالصه" نام داشت که تقریباً تمام پنجاب و همچنین کشمیر گلگت، خیبر پختونخوا و مولتان کنونی را پوشش می دهد.

شخصیت مهمی "سرکار خالصه" بسیار دلیر و جسور با تجربه بود، و مشتمل بر سیک ها، هندو ها، مسلمانان و فرانسویان بود. سیک ها خود شخصیت های بسیار با استعداد و ماهر در دربار لاهور بودند و همه نوع خدمات خود را به دولت خود ارائه می کردند. معروف ترین اشراف برادران، آهلو والیان، سندهانوالیان و مجیتهها و برادران دوگره بودند. هری سنگھ نلوه، شام سنگھ اناری والا و جمعدار خوشحال سنگھ توانا ترین و قابل اعتماد ترین افسران سیک به نظر می آیند.

فرهنگ و تمدن پنجابی در متن پارسی "تاریخ پنجاب":

در متن نسخہ خطی نه فقط تاریخ پنجاب را تجزیه و تحلیل می کنیم بلکه فرهنگ و تمدن قرن نوزدهم را هم مورد توجه قرار می دهیم. خیلی جالب است که از یک طرف کاتب دارد حرف تاریخ می زند، از طرف دیگر فرهنگ و تمدن پنجاب را هم به تصویر می کشد. مفصل بیان می کند که در قرن نوزدهم (در منطقه پنجاب) چطور تمدن و فرهنگ رائج بوده حتی که اگر پادشاه داشت خرید می کرد، چه چیز های را می خرید؟ و حتی اگر داشت هدیه می فرستاد، چه نوع هدیه می داد؟ یا مهمانان گرامی که در جشن ازدواج شرکت کردند چه نوعی هدیه آوردند، چند تا آوردند، تشریفات چه بوده است؟

از کدام پارچه استفاده کردند؟ چند تا نوع پارچه داشتند؟ حتی که جواهرات که استفاده شده بود با اسم و با نوع اش در نسخہ ذکر شده است بقدری دقیق نوشته اگر کسی مریض شده بود چه مرضی گرفته؟ درمانش چه شده و غیره... خلاصه اینکه نسخہ تاریخ پنجاب نه فقط تاریخ پنجاب می باشد بلکه تصویری از فرهنگ و تمدن منطقه پنجاب را نشان می دهد.

ذکر زیور ها در نسخہ خطی تاریخ پنجاب:

- | | |
|------------------|-----------------------|
| 90 | 1. مالا مروارید، زمرد |
| 112 | 2. کنگن طلا |
| 125، 113، 91، 90 | 3. پهونچی/ پهونچو |
| 83، 31 | 4. کینتھه |

91، 90	باز و بند	.5
124	هار	.6
125، 124	چنپا کلی	.7
124	جگنو	.8
124	جهومکه	.9
125	حلقه بینی	.10
125	بندی	.11
113	کرن پھول	.12
57	انگشتی بانگین لعل بدخشانی	.13
151	انگشتی زمرد	.14
109	نورتن	.15
31	کلغی	.16
31	جیغہ	.17
113، 91	ارسی	.18
143	گلوبند	.19
58	کرہ	.20
97	مروارید گوش	.21
	ذکر لباس:	
82	لونگی	.1
92، 82	الانچہ	.2
93	سر پیچ	.3
37	کرته	.4
94، 49، 48	دو شالہ	.5
155، 31، 30	دوپتہ	.6
143، 82	چادر	.7
91، 90، 73	کھپس	.8
81	شال	.9
	کلہ	.10
91، 49، 48	دستار	.11
92، 85	لہنگہ	.12
91	چوغہ	.13
91	رومال	.14
92	کمر بند	.15
112	شیخ بند ابریشمی	.16
214	پوشاک	.17
90	رومال	.18
	ذکر انواع پارچہ ہا:	
106	زربفت	.1

49 ،48	کم خواب	.2
48 ،30	گلبدن	.3
154	قالین	.4
53	پشمینہ	.5
30	بنارسی	.6
91	جاموار	.7
90	زردوزی	.8
113	شموز	.9
73	ساتن	.10
106 ،85	اطلس	.11
176 ،124	جامدانی	.12
154	چھیت زرنگلز	.13
91 ،48	ململ	.14
82	تھان تیمور شاہی	.15
82	تھان شجاع خالی	.16
73	تھان پوربی	.17
49	ابریشم	.18
53	کامدانی	.19
53	چندیلی	.20
90	تھان الوان	.21
92	ریشمی	.22

ذکر بیماری:

9	عارضہ چیچک	.1
8	عارضہ جبری	.2
21	عارضہ سرسام حمی ودق	.3
69	عارضہ ذات الحنب	.4
72	عارضہ ریج الکلیہ	.5
	عارضہ ہیضہ و اسہال	.6
	عارضہ استفراغ	.7
164	عارضہ لقوہ	.8

ذکر اجناس:

131	گنم	.1
165	برنج	.2
	برنج باسمتی	.3
(ص 106 ، 92)	برنج بارہ	.4
	ماش	.5

149	کنجد	.6
	روغن زرد	.7
	شکر تری	.8
	میوه ها:	
	انگور	.1
	سنگتره	.2
99	ناشیپاتی	.3
37	انار	.4
37	سیب	.5
37	خربوزه	.6
37	هندوانه	.7
	انبه	.8
	بادام	.9
	کشمش	.10
	منقه	.11
	پسته	.12
	ذکر اسلحه:	
53	شمشیر	.1
53	بندوق	.2
57	تفنگ	.3
	بندوق توره دار بندوق چقماق	.4
106	گرز	.5
49	کمان	.6
49	ترکش	.7
54	توپ	.8
57	طپانچه	.9
111	کارتوس	.10
96	غباره	.11
	ذکر جانوران که در تاریخ پنجاب ذکر شده اند:	
2	اسب	.1
127	اسب ایرانی	.2
88	اسب ولایتی	.3
	اسب عربی	.4
156	اسب نکهنی	.5
	اسبان معروف رنجیت سنگه	.6
	اسب کهارا	.7
122	اسب پری پرواز	.8

81	اسب شیرین	.9
98 ، 97	اسب لیلی	.10
88 ، 2	قاطر	.11
49	فیل	.12
153	خچر	.13
154 ، 104	گونت	.14
100	شتر	.15
	سگ شکاری	.16
167	گدھا	.17

ویژگیهای نسخه بلحاظ زبان و اسلوب نگارش:

روش نگارش نسخه خطی تاریخ پنجاب بیشتر تاریخی می باشد. این نسخه دست نویس کاتب های مختلف است. وقعات به ترتیب سال به سال ذکر شده است. شخصییات را که ذکر کرده است به معرفی مختصری آغاز می کند، گاهی شخصیت را به رشته شخصیت معروف گاهی ذکر شخصیت یا عهدی که در دولتی می باشد، بیان می کند و گاهی ذکر شخصیت با جای سکونتش بیان شده است. بطور مثال

1. مهتاب سنگه و کهیرا وکلای بهائی اودی سنگه کینتهل والا
 2. میان جوده بیر چند خلف راجه سنسار چند کتوج
 3. ملک نواب صادق محمد خان بهاولپوریه
- گاهی معرفی به عهده می دهد:**
4. الهی بخش توچی
 5. امر چند داروغه
 6. خوشحال سنگه جمعدار
 7. سردار تیج سنگه کمان افسر کمپنی

تاریخ پنجاب علاوه براین که یک نسخه خطی تاریخ به شمار می آید از لحاظ زبانی و ادبی نیز دارای اهمیت و ویژگی زیاد می باشد. این ویژگی ها در سده نوزدهم در شبه قاره در بین پارسی نویسان بسیار دیده می شود. در اینجا لازم به ذکر است که ویژگیهای نسخه از لحاظ زبانی و املائی را بیان اکتم.

استفاده از ضرب الامثال :

نویسنده در این نسخه بکار بردن محاوره کنایات و ضرب الامثال ها بسار بکار می برده. به عنوان

مثال :

- | | | |
|-------|----|--|
| 8 | 1. | راه گرمی وادی نا کامی گشتن |
| 15، 2 | 2. | لب تحسین کشودن |
| 59 | 3. | دست از جان شستن |
| 59 | 4. | رخت هستی به عالم جاودانی کشیدن |
| 102 | 5. | بر بستر عدم پی کردن |
| 69 | 6. | نقد حیات به متقاضی اجل کرد |
| 99 | | یک مصرع شد حافظ مردی از غیب برون آید دکاری بکند. |

تناسب و هم آهنگی :

- | | | |
|----|----|--|
| | 1. | نور دیده و سرور سینه |
| 59 | 2. | دامن فقرای مسلکین از نفوذ زر آگین |
| | 3. | درسی فرش فروش و فراهمی سامان جلوس |
| | 4. | پرسش کلمات خیریت و تاسیس میانی اخلاص و محبت |
| 43 | 5. | صدمات گوله های متواتره و آسیب چهرهای مترادفه |
| 75 | 6. | تماشای چراغن هجوم تماشایین |
| 11 | 7. | دوست بائین دوست و دشمن جاتین دشمن |

اجناس:

- | | | |
|----|----|--|
| | 1. | همچو کبوتران صحرای که در دام صیاد گرفتار شوند و دست و پا زده لاچار مانند |
| 56 | 2. | به صدمات اتوآپ دیوار قلعه مثل غربال از اکثر جا ها ریخته شده |
| 57 | | |

تکرار لفظی:

نویسنده وقتی می خواهد یک چیزی را تاکید کند، واژه تکراری استفاده می کند. مثل

- | | | |
|----|----|--------------------|
| | 1. | تاکید اکید |
| 58 | 2. | مسافرین و مسترددین |
| 76 | 3. | تحسین و آفرین |
| 83 | 4. | أفتان و خیزان |
| 65 | 5. | صولت و سطوت |

یکی از مهم ترین ویژگی این قرن همین واژگانی است و اینگار هنوز حروف عطف پیشترت نکرده

بود، برای حسن در متن این قرن ها را حروف عطف را با ندرت نگاه نویسنده حروف عطف را استفاده نمی

کند. مثال

- | | | |
|-------------|----|------------|
| 296، 50، 11 | 1. | تاخت تاراج |
|-------------|----|------------|

141، 96	2.	امروز فردا
142	3.	یک نیم
142	4.	پنج چہار
50	5.	دل جان
89	6.	یک نیم

برای آسانی خواننده ما حرف عطف را جای که احتیاج دارد، گذاشته ایم.

فعل را در صورت مفعولی بکار می برد:

ویژگی مهم که درین متن دیده می شود استفاده فعل به صورت مفعولی است. این هم ویژگی معروف

قرن نوردہم می باشد. مثل

100	1.	طلبیہ
91	2.	طلبانیہ
94	3.	فہمانیہ
84	4.	گذرانیدند
90	5.	کردانیہ

نحوہ ہندی:

ویژگی سوم کہ در متن شبہ قارہ دیدہ می شود استفادہ از واژگانہ ہندی است. چون نویسندہ ہندی

است اما دارد بہ شیوہ ہندی پارسی می نویسد بہ ہمین خاطر در نوشتہ های واژگان و روش ہندی استفادہ می

کند. مثال :

3	1.	تفنگ زنے
3	2.	تمامے
4	3.	حویلے
9	4.	انارکلے
10	5.	شادے

واژہ های متصل:

ویکی از ویژگی در متن این قرن زیاد دیدہ می شود، نوشتہ های متصل است. نویسندہ گاهی واژگان

را باہم می چسپاند کہ بیشتر متن را دشوار می کند و خوانش متن را سخت می کند. بہ عنوان مثال :

108	1.	مشتلمبر
58	2.	یکرویہ
5	3.	اینخیر

- | | | |
|----|--------|----|
| 6 | یکلحظه | 4. |
| 33 | قلعجات | 5. |
| 27 | نامجات | 6. |

متمم به اسم و فعل:

در نسخه تاریخ پنجاب و در قرن و نورد هم نویسندگان متمم را گاهی با فعل می چسبانند متمم گاهی با فعل و گاهی با اسم بصورت متصل همراه می شود به عنوان مثال :

- | | | |
|--------|--------|----|
| 31 | بزبان | 1. |
| 28 | بکنور | 2. |
| 31 | بنام | 3. |
| 23 | بکرنیل | 4. |
| 29، 26 | بجهت | 5. |

اغلاط املائی:

در متن نسخه خطی اغلاط املائی زیاد هم دیده می شود به عنوان مثال :

- | | | | |
|---------------|-------|-------|----|
| 123، 18 | کسور | قصور | 1. |
| 117، 115، 108 | ضروف | ظروف | 2. |
| | مستور | مسطور | 3. |
| 145، 2 | طیار | تیار | 4. |
| 155 | کابل | قابل | 5. |

املاء های غلط را در نسخه خطی درست کرده ایم و در حواشی ذکر کرده ایم.

واژگان کهنه:

واژگان قدیمی کهن پارسی که (با تدریج زمان) با تحول زمان از بین رفته در نسخه خطی ذکر شده است. تعدادی از این واژه های قدیمی را در اینجا بیان می کنیم که نشان از قدمت و اهمیت نسخه خطی دارد.

مثال :

- | | | |
|------------------|---------|----|
| محاصره | مورچال | 1. |
| فاصله 2 کلو میتر | کروه | 2. |
| تیکس/ جزیه | تعلقه | 3. |
| | هندویات | 4. |
| هدیه برای عروس | تنبول | 5. |
| آمادگی | تیار | 6. |

وقتی ما نسخه خطی "تاریخ پنجاب" را می خوانیم متوجه می شویم که کاتب خیلی با سواد نیست،

اغلاط املائی زیاد دارد. اصلاً خودش متوجه نیست که واژگان را با املائی نا درست می نویسد.

واژگان انگلیسی:

و یکی از ویژگی که در نسخه بررسی کردیم واژگان انگلیسی هست که همینطوری در نسخه نوشته شده که باید معنی اش را بیان کنیم تا پژوهشگران که بتوانند به راحتی از معنی و مفهوم نسخه آشنا باشد. به عنوان مثال

واژه زبان های انگلیسی:

	1.	ڈائریکٹر
103	2.	رجمنٹ
107, 106	3.	پلٹن
105	4.	کپتان
106	5.	داکٹر
108	6.	مسٹر
103	7.	ریزیٹنٹ
108	8.	کمپنی
112	9.	پریڈ

واژگان ہندی، پنجابی و سانسکرت و اردو:

یکی از ویژگی بزرگ درین نسخه کہ ما بررسی کردیم همان واژگانی ہندی، اردو و پنجابی هست، چون نویسنده خودش اهل ہند می باشد برای ہمین در متن پارسی نا خواستہ واژگان ہندی، اُردُو، سانسکریٹ و پنجابی بکار بردہ. بطور نمونہ ملاحظہ بفرمائید :

1	1.	کروہ
46, 2	2.	منٹی
2	3.	گڑھ
51, 2	4.	کھاوہ
55, 2	5.	من
2	6.	ڈیرہ
3	7.	مکلاہ
3	8.	تھانہ دار
3	9.	پورہ
3	10.	دنبہ
3	11.	دھرم
3	12.	تیار
4	13.	حویلی
4	14.	باری

7	شادی	.15
7	مامون	.16
7	پپٹی	.17
8	سنگن	.18
98	لگن	.19
8	چبوتره	.20

نتیجه گیری:

نسخه خطی تاریخ پنجاب از فردی ناشناس بی تردید نسخه ارزش مندی در باره تاریخ و فرهنگ منطقه پنجاب در قرن نوزدهم می باشد. با نگاهی به تاریخ می توان دریافت بعد از قرن هجدهم که استعمار انگلیس بر شبه قاره غلبه کرد، اوضاع سیاسی و اجتماعی آن رو به خرابی نهاد مردم و بالخصوص مسلمانان هند و پاکستان زیر دست استعمار گران انگلیس قرار گرفتند و بقدری گرفتار نیاز های روزانه از جمله هزینه های جاری زندگی بودند که فرصت توجه به تاریخ فرهنگ را نداشتند و کمتر به تاریخ می پرداختند. بنظر می رسد همین مشکلات اقتصادی روزانه مانع از آن بود که به تاریخ بپردازند اما در دوره رنجیت سنگه وقتی که بر منطقه پنجاب یعنی پاکستان کنونی و پنجاب هند حاکم شده بود. در دربار وی تعداد زیادی ادیب و نویسنده و مورخ حضور داشتند و در نتیجه استقبال از فرهیختگان و نویسندگان است که نسخه خطی های تاریخی بسیاری در این دوره نگاشته می شود از جمله آنها عبارتند از: تاریخ پنجاب از سوخت لعل سوری، روزنامه دوره مهاراجه رنجیت سنگه، تاریخ پنجاب از نقی پیشاوری، تاریخ پنجاب از غلام محی الدین بوته شاه و غیر.

اگر چه تواریخ زیادی نوشته شده است، ولی نسخه خطی تاریخ پنجاب مربوط به عهد رنجیت سنگه از اهمیت زیادی برخوردار است. این نسخه خطی دربار اوضاع سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگ و تمدن منطقه پنجاب را نشان می دهد و از همین منظر اهمیت خاصی دارد. و با مطالعه این نسخه خطی می توانیم بابتی جدیدی را در باره تاریخ و فرهنگ پنجاب باز کنیم. چرا که تاریخ پنجاب تحولات تاریخی قرن هجدهم و نوزدهم میلادی در سرزمین پنجاب پاکستان را نشان میدهد. که بعضی از این تحولات مربوط به چالش های حکومت های محلی با یکدیگر و برخی نیز مربوط به چالش ها و نزاعهای حکمرانان محلی با کارگزاران حکومت استعماری انگلیس بوده است. در واقع به نوعی بیگانه ستیزی مردم پاکستان را به تصویر می کشد. بسیاری از اسامی اشخاص و اماکن در این نسخه خطی آمده است که اطلاعات زیادی از آنها نداریم و شفاف شدن بخشی از دست آورد های فکری و فرهنگی فرهیختگان پاکستان گام دیگری از دست آوردهای این

تحقیق بشمار می رود که نتیجه حاکمیت سیک ها می باشد. مطالعه این نسخه خطی همانند دیگر آثار قرن نوزدهم نشان می دهد که اوج حاکمیت و گسترش زبان فارسی در دوره سیک ها به دوره مهاراجه رنجیت سنگه معطوف می گردد. بدون تردید شناسیابی و شناساندن چهره های فرهنگی و سیاسی برجسته قرن نوزدهم منطقه پنجاب برای هویت ملی پاکستان و هویت تاریخی پنجاب بسیار مفید و سازنده خواهد بود.

البته در تصحیح و بازخوانی این نسخه خطی متوجه شدیم خیلی اشتباهات املائی و لهجه ای در متن وجود دارد و گاهی نیز با افتادگی بعضی کلمات مواجه می شدیم که با مشورت استاد راهنما و مفهوم متن جایگزین کرده ایم. چنانکه می بینید اکنون تاریخ پنجاب اثری ارزشمند در اختیار خوانندگان تاریخ و فرهنگ پاکستان است و با ملاحظه تاریخ مذکور می توان به سبک نگارش زبان فارسی توسط مورخان و ادیبان سرزمین پنجاب در دوره سیک ها را نشان میدهد.

بنا بر این با مطالعه این نسخه خطی نه تنها می توان به رخداد های نظامی، کشمکش های سیاسی و شرایط اجتماعی که در منطقه پنجاب پاکستان کنونی اتفاق افتاده است پی برد. بلکه گاهی از پیوند های خانوادگی و برگزاری جشن ازدواج خبر می دهد که از نظر تاریخ و فرهنگ و مناسبات اجتماعی و فرهنگی پنجاب اهمیت دارد. در پایان لازم به یادآوری است با تصحیح و بازنویسی این نسخه علاقمندان زیادی از تلاش های نویسنده گمنام نسخه خطی آگاه خواهند شد ولی چنانکه می دانید این رساله دکتری است همه محاسن و مزیت این بازخوانی معطوف به استاد راهنمای مهربان و دانشمند است و همه نواقص و کمبود های رساله به دانشجو یعنی اینجانب بر می گردد.

فهارس کتب:

نسخه خطی ها فارسی:

##- آفتاب اصغر، (1364 هـ)، تاریخ نویسی فارسی در هند پاکستان، لاهور: خانه فرهنگ جمهوری اسلام ایران

##- اکرم شاه اکرام، دکتر، (1971ء)، فارسی در پاکستان، لاهور

##- امیری، کیومرث، (1374 هـ)، زبان و ادب فارسی در هند، تهران

- ##- انوشه حسن، (1375ش)، دانشنامه ادب فارسی (ادب فارسی در شبه قاره، پاکستان، بنگله دیش) ایران: سازمان چاپ و انتشارات وارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نسخه خطیخانه ملی تهران
- ##- بوته شاه، محی الدین، تاریخ پنجاب (مشمتمل بر پنج دفاتر)، نسخه خطی خانه، مرکزی دانشگاه پنجاب
- ##- تحمینه قریشی، (2015ء) اخبار دربار لاهور در دوران سیک ها (تدوین و بررسی)، مقاله برای پی-ایچ-ڈی بکوشش دکتر محمد ناصر، پنجاب یونیورسٹی، شعبه فارسی، لاهور
- ##- رتن چند، خالصه نامه، (2021ء)، (مقدمه، تصحیح تدوین) بکوشش سید احمد شاه مقاله پی-ایچ-ڈی به رهنمائی دکتر محمد ناصر، پنجاب یونیورسٹی، شعبه فارسی، لاهور
- ##- رزمجو، حسین، دکتر، (2000ء) مبانی آموزش زبان و ادبیات فارسی گروه فارسی دانشکده خاور شناسی دانشگاه پنجاب لاهور
- ##- زرین، عبدالحسین، (1352ه)، از گذشته ادبی ایران، ایران: انتشارات سخن
- ##- سوهن لعل، لاله، (1888ء)، عمده التواریخ، دفتر دوم، لاهور: منش گویند سهای گنیش پرکاش، دفعه اول
- ##- سیروش شمیسا، (1378ه) انواع ادبی، ایران: انتشارات، دانشگاه تهران
- ##- صفا، ذبیح الله، (1371ه)، تاریخ ادبیات در ایران، ایران: انتشارات فردوسی
- ##- صفا، ذبیح الله، (1385ه)، تاریخ ادبیات ایران با تلخیص محمد ترابی، ایران: انتشارات فردوسی
- ##- عبدالله، سید، (1968ء) سهم هندووان در زبان فارسی، لاهور: مجلس ترقی ادب
- ##- عبدالله، سید، محمد، فهرست نسخه خطی، لاهور: نسخه خطیخانه مرکزی دانشگاه پنجاب، لاهور
- ##- فلیحه زهرا کاظمی، دکتر، (2000ء)، پیروی شاهنامه فردوسی در شبه قاره، لاهور
- ##- فلیحه زهرا کاظمی، دکتر، (2013ء) یازتاب عشق و دالادگی در شاهنامه فردوسی، لاهور
- ##- منزوی احمد، فهرست مشترک نسخه های خطی در پاکستان، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان
- ##- نامعلوم، (1843ه)، تاریخ پنجاب (نسخه خطی) نسخه خطیخانه مرکزی دانشگاه پنجاب، لاهور
- ##- نفیسی، سعید، (1363ه)، تاریخ نظم و نثر فارسی در ایران، ایران: انتشارات فروغی تهران
- ##- نقی پشاوروی، (1259ه)، تاریخ پنجاب "نسخه خطی" لاهور، نسخه خطی خانه مرکزی دانشگاه پنجاب، لاهور

##- نوائی، شیر علی، (1363ھ)، تذکرہ مجالس النفاٹس، تہران: امیر کبیر

نسخہ خطی های اردو:

- ##- احسن، عبدالشکور، (1999ء)، مقالات احسن، لاہور: شعبہ فارسی اور ٹینٹل کالج پنجاب یونیورسٹی لاہور
- ##- احمد، عزیز الدین، (1909ء)، پنجاب اور بیرونی حملہ آور، لاہور: مکتبہ فکر و دانش، پنجاب یونیورسٹی لاہور
- ##- انصاری، نور الحسن، (1979ء)، فارسی ادب بعہد اورنگ زیب، دہلی: انٹو پریس سوسائٹی
- ##- بخاری، مرحمت عباس، (1996ء)، سکھ عہد حکومت میں فقیر خاندان (1799م تا 1849م)، لاہور: گورنمنٹ کالج (مقالہ ایم۔ اے۔ تاریخ پنجاب یونیورسٹی لاہور)
- ##- بدخشانی، مقبول بیگ، ادب نامہ ایران، لاہور: نگارشات لاہور
- ##- چغتائی، محمد عبداللہ، (1964ء)، لاہور سکھوں کے عہد میں، لاہور: نسخہ خطی نورس
- ##- خوشونت سنگہ، (2007ء)، مہاراجہ رنجیت سنگہ، لاہور: نگارشات
- ##- شبلی، محمد صدیق فارسی ادب کی مختصر ترین تاریخ، لاہور: سنگ میل پبلیکیشنز
- ##- ظہور الدین احمد، (1375ھ)، ایرانی ادب، لاہور: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان
- ##- ظہور الدین احمد، (1985ء) تاریخ ادبیات فارسی در پاکستان در عہد سیکھان، ج4، لاہور: ادارہ تحقیقات پاکستان و دانشگاہ پنجاب
- ##- ظہور الدین احمد، (2002ء) ایرانی ادب (در شبہ قارہ)، لاہور: گورنمنٹ کالج یونیورسٹی لاہور
- ##- عبداللہ، سید ڈاکٹر، (1967ء)، ادبیات فارسی میں ہندوؤں کا حصہ، لاہور: مجلس ترقی ادب
- ##- عبداللہ، سید، ڈاکٹر، (س ن)، فارسی زبان و ادب (مجموعہ مقالات)، لاہور: مجلس ترقی ادب
- ##- عبداللہ، سید، محمد، فہرست نسخہ خطی، لاہور: نسخہ خطی خانہ مرکزی دانشگاہ پنجاب
- ##- گریوال، ج۔ ایس، (2006ء)، سکھ مذہب، تاریخ، سیاحت، مترجم: امجد محمود، لاہور: بک ہوم خیابان فرنگ

- ##- مبارک علی، ڈاکٹر، (1986ء)، آخر عہد مغلیہ کا ہندوستان، لاہور: نگارشات
- ##- مبارک علی، ڈاکٹر، (2022ء)، سکھ عہد ایک مطالعہ، ترتیب و تدوین، لاہور: تاریخ پبلیکیشنز
- ##- محمد اکرام، شیخ، (1958ء) موج کوثر، لاہور: فیروز سنز
- ##- محمد سلیم، پروفیسر سید، (2018ء)، ہند و پاکستان میں مسلمانوں کا نظام تعلیم و تربیت، لاہور: ادارہ تعلیمی تحقیق تنظیم اساتذہ پاکستان
- ##- محمد لطیف، سید (1994ء)، تاریخ پنجاب، مترجم: افتخار محبوب، لاہور: تخلیقات
- ##- محمد لطیف، سید، (2000ء)، تاریخ پنجاب مع شہر لاہور، لاہور: سنگ میل پبلیکیشنز
- ##- ملک اکبر، (1901ء)، دیس پنجاب، لاہور: قومی کتب خانہ
- ##- نریندر کرشن سہنا، (2007ء)، مہاراجہ رنجیت سنگھ، ترجمہ: کیلاش چند چودھری، کراچی: سٹی بک پوائنٹ

English Books:

- ##- Fakhir, Waheed-ud-Din, The Real Ranjit Singh, Karachi: Lion Printing Press
- ##- Fakir S. Aijazuddin (2020), Resourceful Fakirs, Lahore: Variety Book Depot
- ##- H.D. Crake, (1993), The Punjab Chief, Lahore:
- ##- Khushwant Singh, (1970), Seneet wiz Singh, Homage to Guru Gobind Singh
- ##- Khushwant Singh, (2004), A History of the Sikh, Oxford: University Press
- ##- Khushwant Singh, (2006), Land of Five Rivers, Orient Paper Books
- ##- Shah Noor, (2018), Civil and Military Recruitment of European and No Sikh Officers in the Kindony of Maha Raja Ranjet Singh, Journal of European Studies 23/1 (2018)
- ##- Syed Muhammad Latif, (1889), History of Punjab (from the remotest Antiquity to the Present Time), Calcutta: Calcuta Central Press

مجلہ ها

- ###- صحرائی رضا مُراد، کاظمی، فلیحہ زہرا، (2021ء)، نقش سیک ها از منظر ادبیات در تاریخ شبہ قارہ اناہیتا، شماره 8، صص 134-151، دانشگاه بانوان ال سی لاهور: گروہ فارسی
- ###- رشید احمد، محمد ناصر دکنتر، (2021ء) اناہیتا، شماره ، صص ، دانشگاه بانوان ال سی لاهور: گروہ فارسی
- ###- فلیحہ زہرا کاظمی، (2014ء)، فارسی ادب در عہد رنجیت سنکہ پیغام آشنا، شمار 57، لاهور: مرکز تحقیقات ایران و پاکستان